

تجارت کیش در قرون ۶ و ۷ هجری قمری

عباس عرب^۱

چکیده:

تجارت دریایی ایران در خلیج فارس و اقیانوس هند و نواحی وابسته به آن همواره تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است؛ از این میان حوزه اقتصادی خلیج فارس و مراکز تجاری آن از دیر باز تا کنون نقش اساسی خود را به عنوان منطقه مهم تبادل تجاری در شرق بویژه در اقیانوس هند به خوبی ایفا کرده است. یکی از مراکز تجاری خلیج فارس جزیره کیش است که در طی قرون ششم و هفتم هجری توانست پس از خرابی سیراف به عنوان بندر مهم تجاری خلیج فارس مطرح شود و طبق گفته مورخان بازرگانان سیرافی پس از سقوط آن بندر به سمت جزیره کیش حرکت کردند و موجبات رشد و شکوفایی آن شدند. جزیره کیش در زمان حکومت اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۵۹۹ ه.ق) با اقدامات وی به کانون اصلی مبادلات اقتصادی خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل شد و طبق گفته مورخان کیش در این دوره به عنوان بزرگترین جزیره فارس و توقف گاه بازرگانان هند، سند، چین، ترکستان، مصر، شام، قیروان و لنگرگاه کشتیهای هند بوده است. تجارت کیش در قرن هفتم ه.ق با پشتیبانی اتابک ابوبکر در جهت تامین امنیت آن به رشد و شکوفایی دست یافت و با تصرف بحرین و قطیف انحصار تجارت به جزیره کیش اختصاص یافت. این امر باروی کار آمدن ملک الاسلام طیبی در اواخر قرن هفتم به اوج خود رسید و کیش در این دوره به شکوفایی بی سابقه دست یافت. در این مقاله سعی شده با تکیه بر منابع موجود رونق تجارت کیش را در قرن ششم و هفتم هجری بررسی شود.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، کیش، تجارت، اتابک ابوبکر، ملک الاسلام طیبی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۱. کارشنا سی ارشد تاریخ دانشگاه تهران (مطالعات خلیج فارس) abas.arab5@gmail.com

خلیج فارس همواره در طول تاریخ از مناطقی بوده است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و تا الان نیز اهمیت خود را حفظ کرده است. در طول تاریخ بنادر این منطقه دوره ای از رشد و شکوفایی را پشت سر گذاشته اند، به عنوان نمونه سیراف در دوره آل بویه دیلمی توانست مهم ترین بارانداز کالا و کانون تجارت دریایی در طول قرن چهارم و پنجم هجری قمری در خلیج فارس همچون اقیانوس هند شود که این امر به سیاست های فرمانروایان آل بویه بویژه عضدالدوله بر می گشت ولی با افول قدرت آل بویه پس از عضدالدوله دیلمی به علت جنگ های داخلی و همچنین استقرار ملوک شبانکاره در مسیرهای و راه های شیراز (دارابجرد) و نا امنی هایی که آنان بوجود آوردند باعث شد تا بندر سیراف اهمیت خود را به عنوان کانون تجارت دریایی از دست بدهد و تحت این شرایط تاجران و بزرگان از سیراف کوچ کرده و به مناطق دیگری از جمله کیش رفتند.

استقرار بازرگانان سیرافی در این جزیره و انتقال سرمایه های آنان به کیش موجب نابودی سیراف و قدرت گیری کیش گردید و این امر با ضعف قدرت در ایالت فارس موجب شد تا حکام جزیره کیش که ملوک بنو قیصر خوانده می شوند قدرتمند شوند و در طول قرن ششم هجری این جزیره را تبدیل به بندر بین المللی کرده و تجارت با هندوستان و چین در دست بازرگانان کیش قرار گرفت.

بعد ها باتصرف کیش توسط اتابک ابوبکر در قرن هفتم هجری قمری و اقداماتی که این امیر انجام داد باعث شد تا این جزیره در اوج و شکوفایی قرار گیرد و این روند در اواخر قرن هفتم هجری با روی کار آمدن ملک السلام طیبی تاجر بزرگ آن زمان کامل تر شد و در این زمان کیش تبدیل به یک منزل گاه عبور و مرور کشتی های تجاری شد و تجارت با هند و دریاهای شرق دور را تقریباً در اختیار خود گرفت.

اهمیت موضوع در این است که می خواهیم نشان دهیم که چگونه جزیره ای در این منطقه در قرن ششم و هفتم هجری با همکاری حکام و بازرگانان به رشد و شکوفایی رسیده است و ضرورت تحقیق عبارت است از بررسی وضع تجارت در این دوره و ارتباط آن با

بندرگاه‌های دوره مورد نظر و اقلام صادراتی آن و هدف از این تحقیق بررسی علل رشد و شکوفایی کیش در قرن ششم و هفتم هجری و علت سقوط آن و همچنین رابطه کیش با دیگر بنادر را بررسی کنیم. در مقاله ابتدا به جغرافیا و جایگاه کیش در متون تاریخی می پردازیم و سپس درباره مهاجرت سیرافی ها به کیش سخن می گویم و در فصل بعدی به اقدامات اتابک ابوبکر و ملک الاسلام طیبی و در آخر به وضعیت تجارت در این دوره می پردازیم و نتیجه ای از تحقیق را ارائه می دهیم .

جایگاه کیش در متون تاریخی:

جزیره کیش به دلیل جایگاه جغرافیایی خود از یک سوء و جایگاه جزیره ای اش از سوی دیگر داری توان بالقوه طبیعی برای جذب مسافران و تجار بوده است. این جزیره دارای آب شیرین است و همین عاملی برای زندگی و جذب انسان شده است، از میان جزیره های حوضه شمالی خلیج فارس کیش مرکزی برای بازرگانی و محلی بوده است که مورد توجه مورخین و مسافرانی که از آن می گذشتند در متون خود به آن اشاره کرده اند و نام آن به صورت های گوناگونی ثبت شده است. برطبق گفته یکی از مورخین کیش نام باستانی و کهن است و نام شهری در بابل نیز به همین نام بوده است و به نظر می رسد در دوران کهن به دلیل کوچ مردمانی از ساکنان نخستین یا بعدی شهر باستانی کیش از بین النهرین به خلیج فارس نام این جزیره که امروز کیش خوانده می شده است نهاده شده است و جورج کامرون پایه گذار دودمان شاهان کیش را مسکنگا شر می داند. (کامرون، ۱۳۷۰، ۲۲)

مورخانی که در طول سفر های خود از این جزیره عبور کرده اند نام های گوناگونی را برای آن ذکر کرده اند که عبارت اند از: قیس، اکامتینا (نثارخوس)، اورکاتا، کیس و غیره. (ابن بلخی، ۱۳۶۳، ۱۳۷)

یاقوت حموی درباره آن می گوید: « جزیره کیش در وسط دریاهاست میان عمان و فارس جزیره ای است خوش منظر پر از بستان های و نخلستان ها است ». (یاقوت حموی، ۱۳۵۰، ۱۲۳)

در میانه سده ششم هجری کیش مورد توجه سیا حان اروپایی قرار گرفته است که آن ها در سفرنامه های خود به آن اشاره کرده اند، به عنوان مثال بنیامین در سفرنامه خود از خلیج فارس به عنوان خلیج کیش یاد کرده است و جزیره کیش را قیس یاد کرده است. به هر حال کیش در متون تاریخی از آن یادشده است.

وضعیت بنادر خلیج فارس قبل از رونق کیش (سده چهارم و پنجم هجری):

در قرون نخستین اسلام کانون تجارت خلیج فارس در بصره و ابله تمرکز یافت و سپس با قدرت گیری آل بویه در ایران و عراق و عمان این سیراف بود که جای بصره را در خلیج فارس از آن خود کرد و در این دوره با اقدامات و سیاست های ال بویه بویژه عضالدوله توانست به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یابد به طور کلی سیاست های عضدالدوله عبارت بود ایجاد امنیت در پس کرانه های خلیج فارس و سرکوب و کوچ اجباری. (وثوقی، محمد باقر، ۱۳۸۴، ۱۳۲)

درسایه این سیاست ها بود که سیراف به عنوان کانون تجارت دریایی در خلیج فارس در قرن چهارم و پنجم هجری مطرح شد، ولی متأسفانه سیاست های وی توسط جانشین هایش ادامه نیافت و آنها به دلیل اختلافات داخلی از توجه به امر خلیج فارس به خصوص سیراف باز ماندند و به گفته برخی از مورخین هنگامی که عضدالدوله مرد، سلطنت ال بویه از هم پاشید. (شیرازی، زرکوب، ۱۳۵۰، ۵۲) و علاوه بر نامنی سیاسی که در سیراف وجود داشت استقرار ملوک شبانکاره بر راههای فارس به جنوب آن باعث ایجاد نا امنی این راه ها و در نتیجه رکود آن شدند و از طرف دیگر فاطمیان که در این دوره رقیب عباسیان به شمار می رفتند سیاستی را در این دوره در پیش گرفتند که به ضرر سیراف و به نابودی آن انجامید و آن سیاست عبارت بود از برگرداندن تجارت خلیج فارس به سمت دریای سرخ و در اختیار گرفتن تجارت دریایی با هندوستان و چین که این به ضرر سیراف بود و همچنین زلزله ای که در سیراف اتفاق افتاد کار سیراف را تمام کرد. (ابن مجاور، همان، ۱۲۶).

علاوه بر این برخی از مورخین علت نابودی سراف و صحار (بندر تجاری در عمان که در این دوره رقیب تجاری سیراف به شمار می آمد) را در این دوره شورش زنگیان و قرامطه می دانند (جورج حورانی ، ۱۳۳۸ ، ۶۱).

پس آشفتگی سیاسی و اوضاع اجتماعی فارس باعث سقوط این بندر شد و به گفته یکی از مورخین به دلیل نامنی هیچ بازرگانی کشتی به سیراف نمی آورده و به طرف مهربان و بصره می رفتند و از آن به بعد کالای با ارزشی به سیراف آورده نشد. (وثوقی ، همان ، ص ۱۳۳).

نتیجه ای که از این روند بوجود آمد مهاجرت تجار به جزایر دیگر در خلیج فارس برای یافتن مکانی امن برای تجارت که آن ها به سمت کیش که از جایگاه خوبی برخوردار بود حرکت کردند.

مهاجران سیرافی:

پس از سقوط سیراف بازرگانان و تجار این منطقه به همراه بزرگان برای جست و جو مناطقی امن برای تامین و کسب درآمد سیراف را ترک نموده و به سمت و سوی جزایر دیگر از جمله کیش رهسپار شدند، مورخان در آثار و کتاب های خود از مهاجرت سیرافی ها به کیش سخن گفته اند که از آنها می توان به ابن مجاور و مقدسی و مولف تاریخ وصاف اشاره کرد. ابن مجاور مهاجرت آن ها را به کیش در سال ۵۰۴ هجری قمری ثبت کرده است، (ابن مجاور ، همان ، ص ۲۸۷) و مقدسی نیز مهاجرت سیرافی ها را به کیش در قرن پنجم هجری می داند. (مقدسی ، ۱۳۶۱ ، ۶۳۶).

مؤلف تاریخ وصاف مهاجرت سیرافی ها را به کیش در قالب یک داستان بیان کرده است و اشاره می کند سیرافی ها به کیش مهاجرت کرده و در مدت اقامت خود در آن ساختمان هایی را بنا کرده و یکی از آن ها که بنو قیصر نام داشته در کیش قدرت را در دست گرفته و پس از وی فرزندان وی کیش را در اختیار خود گرفته اند . (تاریخ وصاف ، ۱۳۵۸ ، ۱۷۳)

با توجه به گفته های مورخین و با توجه به شواهد و مدارک می توان نتیجه گرفت که تجار و بازرگانان سیرافی به دلیل نامنی موجود و شرایط بد سیاسی آن زمان مجبور به

مهاجرت شده اند که تعدادی از این ها از جمله بنو قیصری ها به کیش آمده و با در دست گرفتن قدرت در کیش موجبات رشد و شکوفایی آن را رقم زدند و به گفته برخی از مورخین ملوک بنو قیصر با تصرف ۱۲ کشتی که از هند متاع می آوردند قدرتمند شده اند و در کتاب وصاف آمده است که: « و با مقصود مراجعت کردن و از آن جهازات کار آن ها بالا گرفت و نام بنو قیصر والا شد». (همان ، ۱۷۴)

ملوک بنو قیصر با توجه به نوشته های تاریخ وصاف از تصرف آن متاع ها ترقی کرده و تجارت بنادر جنوب را تحت کنترل خود در آوردند و این امر نشان از توسعه ناوگان تجاری و دریایی آن ها است و با همین ناوگان ها به دیگر جزایر حمله می کردند و ابن بلخی درباره تصرف سیراف به دست ملوک بنو قیصر می گوید: « عاقبت چنان شد که یکی از خان ها به نام ابوالقاسم سیراف را به تصرف خود درآورد. » ابن بلخی، همان ، ۱۳۷».

از طرف دیگر عاملی که باعث افزایش قدرت آن ها شد درگیر های داخلی سلاجقه که منجر شد تا اتابک سنقر بن مودود به علت کار شکنی و حملاتی که آنان برای تصرف و تسلط بر سواحل انجام می دادند. وی در سال ۵۴۳ با تقاضای آن ها مبنی بر حکومت یافتن بر نواحی ساحلی موافقت نماید. (بختیاری ، ۱۳۷۷ ، ۵۲)

در طی قرونی که سلاجقه سرگرم درگیری و منازعات داخلی بودند (۴۴۵ تا ۵۴۳) ملوک کیش بر قدرت خود افزودند؛ ولی پس از تسلط اتابکان سنغری بر فارس و روی کار آمدن اتابکانی همچون اتابک سعد و پسرش اتابک ابوبکر وضع تغییر کرد و اتابکان خواهان تسلط بر کیش شدند که در زیر به آن خواهیم پرداخت .

کیش یا دولت خانه:

همان طور که در بالا گفتیم با روی کار آمدن اتابک سعد بن زنگی در فارس دوره ای از آرامش بر فارس مسلط شد و تمامی مورخین حکومت وی را بین سال های (۵۹۹ تا ۶۳۳) دوره آبادانی فارس ذکر کرده اند. وی در دوره فرمانروایی خود همواره در حال توسعه سرزمین خود بود وی بر همین اساس توانست کرمان را به تصرف خود درآورد و پس از تصرف کرمان در صدد تصرف همدان و اصفهان هم بود که موفق نشد ، دوره اه

که وی در فارس زمینه را برای پسرش اتابک ابوبکر مهیا کرد، (همان . ص ۱۵۲). مصادف بود با حمله مغول که با سیاست های و فارس در این دوره کمتر آسیب دید. (قزوینی ، همان، ۱۷۵).

زمانی که اتابک ابوبکر قدرت در فارس به دست گرفت مصادف با نفوذ مغولان به بخش های جنوبی ایران بویژه فارس بود که وی با سیاست های درست مانع از حمله آن ها به فارس شد و در این دوره فارس دوره پر ونقی را پشت سر گذاشت و همچنین به دلیل نا امنی راه های خشکی از رونق افتادند و راه های دریایی مورد توجه قرار گرفتند کیش نیز در این دوره از رونق خاصی بر خوردار بود و بر همین اساس اتابک ابوبکر خواهان تسلط بر این مرکز تجاری شد در این موقع بر کیش امیری حاکم بود (ملک سلطان) که به مردم و تاجر ظلم میکرد و تعهدات مالی خود را به اتابک انجام نمی داد و موجبات خشم وی را فراهم کرده بود. (تارخ و صاف، همان ، ۱۷۵).

از طرف دیگر رعیت کیش نیز به صاحب فارس اتابک ابوبکر پناه می بردند و اتابک نیز که منتظر این فرصت بود برای تصرف کیش آماده شد ولی چون کشتی و ناوگان تجاری نداشت از امیر هرمز کمک خواست از طرف دیگر امیر هرمز که سیف الدین نام داشت نیز که خواهان تسلط بر این جزیره بود و نیز در حال لشکر کشی به کیش بود ولی با شورشی که بعد از مرگ شهاب الدین ملنگ در هرمز پیش آمده بود مجبور شده بود به هرمز بازگردد و حکومت را در دست بگیرد با وی متحد شد . (قزوینی ، همان، ص ۲۹۹)

وصاف در کتاب خود راجع به علت کمک خواستن اتابک از امیر سیفالدین می نویسد: «پادشاه فارس قصد عزیمت و لشکر کشی به کیش را نمود و از آنجایی که انفاذ و لشکر و تنفیذ این امر مهم بی ترتیب جهاز و معبر تعذری داشت ناگزیر به جلب همکاری امیر هرمز برآمد». (وصاف، همان، ۱۷۶)

بر همین اساس اتابک به همه امرا دستور داد با امیر هرمز برای فتح کیش کمک کنند و قرار شد پس از تصرف کیش توسط امیر سیف الدین چهار دانگ آن پس از تصرف مال اتابک باشد و دو دانگ مال امیر هرمز و امیر هرمز از طرف خود فرمانده ای را جهت امور به کیش روانه کند. (همان، ۱۷۶).

بر همین اساس امیر هرمز به کیش حمله کرد و توانست آنجا را به تصرف خود درآورد و ملوک بنو قیصر را از کیش برانداخت ولی امیر هرمز نیز به توافقات خود با اتابک پشت کرد و به مردم کیش نیز ظلم و ستم روا می‌داشت و اتابک مجبور شد با همکاری عده ای از تجار ناراضی کیش به کیش حمله کند و آن را از تسلط امیر هرمز برهاند (نطنزی، همان، ۱۱)

پس از تصرف کیش اتابک ابوبکر به دلیل ارزش و اهمیتی که برای کیش قائل بود آنرا دولت خانه نامید و عده ای از بزرگان را به همراه سپاهیان برای استقرار نظم به کیش روانه ساخت وی آنقدر به کیش اهمیت می‌داد که در سال ۶۳۳ به بحرین حمله کرد و بنظر می‌رسد این کار برای از رونق انداختن تجارت بحرین به سود کیش باشد. علاوه بر این برخی از مورخین از تلاش وی در جهت توسعه نفوذ تجاری خود به سمت اقیانوس هند یاد کرده اند. (شیرازی، همان، ۸۰)

تجارت کیش در قرن ششم و هفتم هجری قمری:

همان‌طور که در بالا اشاره کردیم اتابک ابوبکر کیش را به تصرف خود درآورد و کارها و اقداماتی که وی در آن جا انجام داد باعث رشد بی سابقه این جزیره شد تا آنجا که برخی از مورخین از آن به عنوان معبر مهم دریایی یاد کنند. (وصاف، همان، ۱۷۸)

تجارت کیش در این دوره با هندوستان در ارتباط و کالاهای که از هندوستانم به طرف خلیج فارس می‌آمد در کیش معامله و به اقصی نقاط ایران پخش می‌شد و یکی دیگر بنادری که در این دوران با کیش در ارتباط بود بنادر شرق دور یعنی در چین بود. برخی از مورخان به رونق کیش در این دوره اشاره می‌کنند و عنوان مثال یاقوت حموی که از کیش دیدار کرده می‌نویسد: «شهری که در کیش ساخته شده بسیار زیبا و اطراف آن را عمارت عالی و باغ‌های زیبا و دلگشا احاطه کرده است و کشتی‌ها که میان هندوستان و خلیج فارس رفت و آمد می‌کنند در کیش توقف می‌کنند چند آب انبار برای ذخیره آب باران پنج بازار معمول در آن جا است.» (یاقوت حموی، همان، ۱۳۵)

ابوالفداء از دیگر نویسندگانی است که کیش را میان هندوستان و بصره نام برده است، (ابوالفداء، ۱۳۸۲، ۲۳۱)، که این نشان از اهمیتی و رونقی است که کیش در این دوران

داشته است. به نظر می‌رسد شکوفایی و گسترش بازرگانی این جزیره از روزگاری شروع می‌شود که مرکز داد و ستد کالا در کرانه‌های جنوبی ایران در سده ششم هجری که از سیراف به کیش منتقل گشت. به دنبال این جابجایی شهر حریره در شمال جزیره که جایگاه بندری مناسبی داشته است گسترش یافت و در روزگار غزنویان و سلاجقه و خوارزم شاهیان و حتی در دوره مغول مرکز بازرگانی میان هند و بین‌النهرین شود و بزرگترین مرکز داد و ستد و بندر گاهی خلیج فارس بوده است و بنیامین در سفرنامه خود در این رابطه می‌نویسد تجار هندی و سایر جزایر کالا و اجناس خود را برای فروش به کیش می‌آوردند.

در اوایل قرن هفتم هجری کیش به عنوان لنگرگاه‌های کشتی‌های هندی و فارس مطرح شد و حکام کیش به دلیل کثرت کشتی‌ها و قایق‌ها، در نزد ملوک و پادشاهان و سلاطین هند دارای اعتبار اند. (وثوقی، همان، ص ۱۳۴).

خسرو معتضد که زندگی سعدی را نوشته است درباره رونق کیش می‌نویسد: «در حوزه شمالی خلیج فارس کیش مرکز مهم بازرگانی به شمار می‌آید این جزیره بسیار آباد و پر جمعیت و شمار زیادی از بازرگانان ایرانی و عرب در آن می‌زیسته‌اند، کالا‌هایی که از چین و هند می‌آید به کیش انتقال می‌شد تا بر کشتی بار شود و به مقاصد دور ارسال شود جزیره کیش در این دوره مرکز بازرگانی خارجی ایرانیان بوده است و بازرگان معروفی همچون خواجه نجم‌الدین شیرازی در این دوره زندگی می‌کرد و وی همواره ۱۵۰ شتر بار داشت که از هندوستان و ترکستان و شام و مصر در حرکت بودند و جدا از این وی فلفل از هند به ایران و عربستان صادر می‌کرد». (معتضد، ۱۳۸۲: ۱۷۴ - ۱۷۵)

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم دوره اتابک دوره شکوفایی کیش به حساب می‌آید و بر طبق گفته مورخین کیش در این دوره به عنوان بزرگترین جزایر فارس شناخته شده است که با بازرگانان هندی و چین و سند و ترکستان و مصر و شام و قیروان داد و ستد داشته است. (وصاف، همان، ۱۷۱)

همه این موفقیت‌ها بر می‌گشت به اقداماتی که اتابک در مدت حکومتش بر کیش انجام داد که از مهم‌ترین اقدامات وی می‌توان به لشکرکشی وی به بحرین و همین

طور به قتیف اشاره کرد که این اقدام در راستای انحصار تجارت در دریا برای کیش دانست و وصاف درباره وی می گوید: «دایم محافظت دولت خانه اسلام را از خواص درگاه کسی که مورد اعتماد و تمام بودی به ایالت فارس نصب نمودی و لشکری آراسته و با نان پاره موجب مرتب و معد داشته و معتمدان را برای ادخار غلات و ترتیب انواع اسلحه و مصالح و جهازات از الواح دیگر مونات گماشته و خود به نفسه از احوال قیس مستخبر بودی». (وصاف ، همان ، ص ۱۸۱)

پس کیش در این دوره با اقداماتی که این اتابک انجام داد به یک شکوفای بی سابقه ای دست یافت ولی متأسفانه اقدامات و سیاست های وی پس از مرگش به فراموشی سپرده شد در واقع پس از مرگ وی در سال ۶۵۹ فارس به مدت ۲۶ سال میان سال های (۶۵۹ تا ۶۸۵ هجری قمری) دچار نابسامانی و درگیری های داخلی شد و این درگیری ها جایی برای مداخله در امور تجارت دریایی آن نمی گذاشت و این جزیره تا سال ۶۹۱ هجری قمری بدون هیچ سیاستی اداره می شد تا اینکه در سال ۶۹۱ هجری قمری به دست ملک الاسلام طیبی افتاد . (همان ، ص ۲۶۸)

تجارت کیش در پایان قرن هفتم هجری قمری:

پس از حمله مغول و درگیری هایی که بر سر جانشینی در ایالت فارس اتفاق افتاد باعث شد تا سلاطین و امرا از توجه به کیش باز بمانند تا این که در سال ۶۹۱ تاجری به نام جمال الدین ابراهیم ملقب به ملک الاسلام طیبی بر آن جا حاکم شد ، پس باید ابتدا درباره وی توضیحاتی بدهیم .

ملک الاسلام تاجر بزرگ عرب و فارس در زمان خود بود او که در تجارت با چین ثروتمندشده بود در سال ۶۹۶ به دربار غازان خان مغول رفت و تحت حمایت وزیر وی قرار گرفت و غازان خان نیز در همان سال فارس و شبانکاره را به عنوان سیورغال به وی داد و علاوه بر این اجاره عراق عرب و واسط و بصره به مدت چهارسال به او واگذار شد. (ا بن الفوطی ، ۱۹۳۳ ، ص ۴۹۴) .

وی پس از آنکه امور فارس و جزایر آنرا در دست گرفت ضمن برقراری امنیت کامل در فارس با تشکیل ناوگان تجاری قدرتمند در کیش توانست این جزیره را تبدیل به یکی از

مراکز و منزلگاهی بزرگ عبور و مرور در اقیانوس هند و خلیج فارس کند وی در این دوره توانست تجارت دریایی هند و حتی دریا‌های شرق دور را تقریباً به کنترل خود در آورد و موجبات آبادانی کیش را فراهم کرد. (وصاف، همان، ۳۰۲)

استقرار وی در کیش تجارت هند و شرق دور را تقریباً به سوی کیش کشاند و علاوه بر این موجبات رشد و شکوفایی جزیره کیش و ارتباط آن با کشورهای دیگر به طور اعم از عراق و خراسان تا روم و فرانک شد. (همان، ۳۰۲-۳۰۳)

تا جایی که برخی از مورخان وی را اول ملوک قیس خوانده اند، (شبانکاره، ۱۳۶۱، ص ۱۳۹) و برخی نیز معتقد شده اند که ملوک بنو قیصر بار دیگر بر تمامی فارس تسلط یافته اند. (مستوفی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶)

برادر ملک الاسلام به نام تقی الدین در معبر هند مستقر و قدرتمند شده بود و به عنوان واسطه اصلی و قدرتمند برای تجارت کیش در این دوره شده است و نفوذ او باعث شده بود تا ملک الاسلام بتواند کلیه تجارت هند و شرق دور را در اختیار خود بگیرد و تجار آن جا را به سمت کیش بکشاند و از این راه سود فراوانی را بدست آورد؛ و صاف در این باره می گوید: «وجود ملک اعظم طبیعی سبب شده که هر کالایی که به معبر می آورند از آن جا توسط کشتی‌ها به کیش آورده می شوند و تا وقتی که ملک الاسلام کالاها را بخواهد هیچ کس نتواند بر آن‌ها دست یابد و بعد باقی راسایر بازرگانان می توانند بخرند و به جاهای دیگر ببرند». (وصاف، همان، ۳۰۲)

صادرات و واردات کیش در پایان قرن هفتم هجری:

تجارت کیش همان طور که در بالا اشاره کردیم با کشورهای هندوستان و چین و غیره... بوده است بزرگترین تجارت کیش در این دوره تجارت اسب بود که این اسب‌ها را به هندوستان می بردند و تجار بین النهرین وی من انواع پارچه‌های ابریشمی و ارغوانی و کتان و پنبه و شاهدانه و ماش و گندم و جو و برنج و غیره ... به هندوستان می فرستادند و در مقابل تجار هندی نیز ادویه وارد می کردند.

شغل اهالی جزیره با این وجود دلالتی کالاهای وارده و صادره است و از کالاهای خیلی مهم که از راه کیش به کشور های خاور دور صادر می شده است اسب‌های گرانبها بوده

است که به نظر می‌رسد از دشت‌های خوزستان به کیش آورده می‌شده‌اند. (ا بوالفداء، همان، ۲۴۶)

وصاف در کتاب خود اشاره می‌کند که همه ساله از جزیره کیش ۱۴۰۰ اسب به هند وستان و معبر صادر می‌شده است. (وصاف، همان، ص ۳۰۲)

به هر حال این دوره کیش آبادترین جزیره خلیج فارس به حساب می‌آمده است و از رونق و شکوفایی بالایی برخوردار بوده است و حمد الله مستوفی آن را در این دوره بزرگترین شهر از لحاظ کثرت مردم و نعمات می‌داند. (مستوفی، همان، ص ۱۳۶)

رشیدالدین فضل الله مولف و وزیر دوره مغول درباره تجارت کیش در این دوره می‌گوید: «در این دوره مروارید و جامه‌های زربفت و جواهرات گران‌مایه که از هند و چین می‌آمده در کیش وجود داشته است». (رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۱۲۷)

افول کیش:

مورخانی همچون شبانکاره (شبانکاره، همان، ص ۱۳۴) و نطنزی (نطنزی، همان، ص ۱۱) و وصاف (وصاف، همان، ۳۰۲)، از حمله ملک‌الاسلام به جزیره هرمز یاد می‌کنند که باعث نابودی کیش شده است، در واقع ملک‌الاسلام به جزیره هرمز بر اساس رقابت تجاری که باهم داشتند حمله می‌کند ولی در این جنگ از حاکم هرمز شکست می‌خورد. ولی با این وجود توانست کیش را از خطرات و حملات هرمزی‌ها که در این دوره از قدرت تجاری و نظامی برخوردار بودند را حفظ کند ولی متأسفانه پس از مرگش جانشین‌های وی نتوانستند سیاست او را دنبال کنند و درگیر جنگ‌های داخلی شدند و در نهایت در زمانی که دو پسر وی به نام‌های غیاث‌الدین و ملک‌فخر‌الدین احمد به طور اشتراکی به حکومت رسیدند و به قیس‌ملکان معروف بودند در سرایشی افتاد و با حمله نا فرجامی که آن‌ها بر جزیره هرمز کردند باعث شد تا امیر قطب‌الدین حاکم هرمز به آنجا حمله کند و کیش از این به بعد در دست ملوک هرمز در آمد و آنها همه دستاوردها و ثروت‌های کیش را به جزیره هرمز انتقال دادند (شبانکاره، همان، ص ۱۳۴)

و از این پس کیش سقوط کرد و همانگونه که کیش جای سیراف را گرفته بود هرمز نیز جای سیراف را گرفت.

نتیجه گیری:

نتیجه ای که از این کار می توان گرفت این است که این تجار سیرافی بودند که پس از سقوط سیراف به سمت کیش و دیگر جزایر خلیج فارس و هند رهسپار شدند و آنجا را با توجه به آشنایی به موقعیت این منطقه و تجربه ای که در تجارت داشتند شکوفا کردند و ملوک بنی قیصر نیز در این کار سهیم شدند و امنیت را در این جزایر فراهم و موجبات رشد و شکوفایی آن را فراهم کردند ولی در اواخر به دلیل ظلم بر مردم اتابک ابوبکر جای آنها را گرفت و اقداماتی که او دست از جمله تامین امنیت و حفظ آن و مراقبت و نگهداری سپاه در آن و همچنین تصرف بحرین و قطیف در راستای به انحصار درآوردن تجارت خلیج فارس در کیش از همه جالب توجه تر است و کیش در این دوره با کشورهای هندوستان و چین رابطه تجاری داشت و در واقع کیش در این دوره از همه بنادر بالاتر قرار گرفت و بازرگانان از اقصی نقاط جهان به کیش می آمدند و در آن جا مشغول داد و ستد می شدند ولی به علت درگیریهایی که پس از اتابک ابوبکر روی داد کیش در رکود کوتاهی قرار گرفت ولی در اواخر قرن هفتم هجری با روی کار آمدن ملک السلام طیبی در کیش دوباره به دوران اوج خود رسید و حتی از دوره قبل نیز پیشی گرفت و از انجایی که برادر وی در هند بود این دو برادر توانستند تمام تجارت هند را با خلیج فارس در اختیار خود در آورند از مهم ترین کالاهای صادراتی این دوره اسب بود که بر طبق مورخین صادرات آن از ۱۴۰۰ تا به بالا بوده است ولی این دوره طلایی زیاد دوام نیاورد و رقیب تجاری کیش یعنی هرمز در این زمان توانسته بود پا به پای کیش رشد کند و پس از مرگ ملک السلام و با توجه به درگیری های داخلی و سیاست های غلطی که جانشین های وی در پیش گرفتند این هرمز بود که توانست رغیب دیرینه خود را از صحنه خارج کند و جای آنرا در تجارت بگیرد.

منابع

- ابن بلخی ، (۱۳۶۳) *فارس نامه* ، تصحیح گای لسترنج، نشر دنیای کتاب، تهران.
- ابن فوطی، (۱۹۳۳) الحوادث الجامع ، تصحیح محمد جواد، بغداد.
- ابن مجاور؛ (۱۹۵۱) صفه البلاد الیمن و مکة وبعض الحجاز المسماء به تاریخ المبتصر، تصحیح لو فگرین، لیدن.
- ابو الفدا، (۱۳۸۲) تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- حموی، (۱۳۵۰) معجم البلدان، بنیاد فرهنگ ایران ،
- جورج ، حورانی، (۱۳۳۸) دریا نوردی عرب در دریای هند، ترجمه دکتر محمد مقدم، تهران.
- خسرو، معتضد، (۱۳۸۲) زندگی سعدی، انتشارات شرکت توسعه کتابخانه ملی.
- رشید الدین فضل الله، (۱۳۳۸) جامع التواریخ، رسا، تهران
- زرکوب شیرازی، معین الدین، (۱۳۵۰) شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادى، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- شبانکاره، محمد، (۱۳۶۳) مجمع الانساب، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیر کبیر.
- قزوینی، (۱۳۷۳) آثار البلاد واخبار العباد، ترجمه جهان گیر میرزا قاجار، تهران، امیر کبیر.
- کامرون، (۱۳۷۰) ایران سپیده دم تاریخ، بنیاد فرهنگ ایران.
- مستوفی، حمد الله، (۱۳۶۳) نزهه القلوب، تصحیح گای لسترنج، دنیای کتاب.
- مقدسی، ابو عبد الله، (۱۳۶۱) احسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران.
- وثوقی، محمد باقر، (۱۳۸۴) خلیج فارس و ممالک همجوار آن، سمت: تهران.
- وصاف الحضرة، (۱۳۳۸) *تاریخ وصاف*، تهران کتابخانه ابن سینا.